



پایه یازدهم

# مابرای بیست فلسفه ۱

مجید قدرتی پور - محمد حسین حسینی

نظارت محتوایی: حمید سودیان طهرانی

درسنامه    سؤال‌های امتحانی با پاسخ تشریحی    امتحان نهایی

بیش از ۳۰۰ سؤال طبقه‌بندی شده شامل سؤالات صحیح و غلط، چندگزینه‌ای، جای خالی، بلند پاسخ و ...

طرح سؤالات از کتاب درسی، امتحانات نهایی و برگردان سؤالات چالشی کنکور به سؤال تشریحی

شامل درسنامه‌های کامل، یاددهنده و کاربردی

ارائه درسنامه‌ها در قالب متنوع و جذاب برای افزایش ضریب یادگیری و فعال کردن هوش‌های چندگانه

ارائه تمرین در میان متن درسی برای یادگیری و تثبیت هرچه بهتر مطالب در ذهن با عنوان «حالا تو بگو»

ارائه خلاصه درس بسیار کاربردی و مناسب برای مرور سریع درس‌ها در ایام امتحانی

به همراه یک جلد ضمیمه رایگان کتابنامه و بررسی تمام نکات موجود در متن کتاب درسی



تقدیم به  
بزرگ‌ترین معلّم زندگی‌ام  
استاد شکیبافر عزیز  
که نهال آموختن و اندیشیدن را  
خداوند به دست او در زمین و جودم غرس نمود.

مجید قدرتی پور

یوستین گُردر یک معلم فلسفه است که کتاب پرفروش و باحالی به اسم «دنیای سوفی» نوشته است. یوستین در کتابش می‌گه: «فیلسوف کسی است که می‌داند تا چه اندازه نادان است و این نادانی او را آزار می‌دهد؛ برای همین او هنوز داناتر از همهٔ کسانی است که دربارهٔ چیزهایی که نمی‌دانند لاف دانی می‌زنند.»

ابوعلی سینای خودمون هم به عنوان یک فیلسوف کاردرست، آخر عمری به این نتیجه رسید که: «تا بدان جا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم» پس فیلسوف شدن هم تلخ و هم شیرینه؛ تلخ به خاطر این که تو رو از بهشت دانایی کاذب اخراج می‌کنه و می‌ندازه روی زمین حیرت و سرگردانی. شیرین، چون فهمیدن این که نادانیم خودش یه جور داناییه. حُب فیلسوفان عزیز! امیدوارم این کتاب بتونه دری بشه از درهای بهشت، منتها دری برای اخراج از بهشت توهم دانایی!

تشکر می‌کنم از آقایان محمدحسین حسینی و مجید قدرتی مؤلفان خوبمون که برای تألیف این کتاب زحمات زیادی کشیده‌اند و مرسی از خانم زهره قموشی که برای به ثمر نشستن این کتاب، مراحل سیر و سلوک رو طی کرد. مثل همیشه، دم دوستان واحد تولید گرم که هم خیلی متعهدانه کار می‌کنند و هم خیلی خوب کارشون رو بلدن.

لطفاً لبخند بزنید، حتی اگر فیلسوف شدید!

## مقدمه<sup>3</sup> ناشر



## به نام پروردگار حکیم؛

دوستان خوبم سلام. سلامی به بلندی تاریخ اندیشه و حکمت؛ خدای مهربان خود را شاکرم که به این ذره ناچیز در اقیانوس بی‌کران هستی، فرصتی داد تا آموخته‌های خود را با عزیزانی چون شما تقسیم کند و امیدوارم که این تلاش، اولاً باعث پویایی ذهن و اندیشه و خرد شما گردد و ثانیاً در موفقیت‌های تحصیلی شما نقشی زرین و پرمقدار ایفا کند. از آن‌جا که فهم عمیق هر دانشی، نیازمند مرور اندیشه‌های پیشین و نظریات دانشمندان آن دانش می‌باشد، کتاب فلسفه یازدهم پنجره‌ای گشوده است تا نگاهی به جولان اندیشه‌ها در سرای تفکر فلسفی بیندازد. از آن‌جا که موفقیت در آزمون‌های درس فلسفه، نیازمند فهم دقیق نظرات و توانایی تطبیق و مقایسه آنها است، در این اثر کوشیده‌ایم تا با بهره‌گیری از چند بخش مهم، شما را در این زمینه یاری کنیم. بخش‌های اصلی این کتاب عبارت‌اند از:

**۱ درس‌نامه:** در این بخش علاوه بر پوشش همه نکات کتاب درسی، با استفاده از جداول، نمودارها و ... کمک کرده‌ایم تا درس‌ها به صورت مفهومی و تطبیقی آموخته شوند و در ذهن دانش‌آموز تثبیت گردند.

**۲ حالا تو بگو:** پس از ارائه درس‌نامه مفصل و کامل در هر بخش چند سؤال در کادر «حالا تو بگو» طرح کردیم تا شما با پاسخ‌دادن به آن‌ها مطمئن شوید که آن بخش درس را به طور کامل فرا گرفته‌اید و آماده رفتن به بخش‌های جلوتر هستید.

**۳ خلاصه درس:** در این بخش مهم‌ترین نکات هر درس به طور خلاصه و در یک نمودار در اختیار شما قرار گرفته که می‌توانید برای تثبیت مطالب درس از آن بهره ببرید. ضمن این‌که این بخش مهم‌ترین یاور شما برای مرور سریع همه نکات دروس در ایام امتحانات هم هست.

**۴ سؤالات امتحانی:** مهم‌ترین بخش برای موفقیت در آزمون‌های درس فلسفه (چه امتحان نهایی، چه کنکور) مواجه شدن با سؤالات استاندارد و مفهومی است. ما در این بخش برای شما انواع سؤالات را با محوریت آزمون‌های نهایی آماده کردیم و برای غنی‌تر شدن این بخش سؤالات چالشی بسیار مهمی رو با نام «جت» طراحی کردیم که بیشتر آن سؤالات از آزمون کنکور برداشت شدند و به سؤال تشریحی تبدیل شدند و می‌توانند شما را برای آزمون‌های مهم به خوبی آماده کنند.

**۵ پاسخ‌های تشریحی:** در این بخش به صورت کاملاً تشریحی به تک‌تک سؤالات امتحانی طرح‌شده در هر درس پاسخ داده شده و شما می‌توانید با مرور این بخش، هم به پاسخ سؤالات دست پیدا کنید و هم نکات پیچیده‌ای که در سؤالات برای شما آماده کرده بودیم را یاد بگیرید.

**۶ آزمون‌های تشریحی:** قطعاً آمادگی برای آزمون‌های نهایی فقط و فقط با حل چند نمونه آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی کامل می‌شود. ما هم برای این‌که شما در فرایند موفقیت، هیچ کم و کسری نداشته باشید چندین آزمون با سؤالات مفهومی و چالش و کمی سخت‌تر از امتحانات نهایی با پاسخ‌نامه کاملاً تشریحی در انتهای کتاب قرار داده‌ایم. همه این تلاش‌ها برای آن بود که شما فرزندان سرزمین عزیزم، بر بلندترین سکوهای افتخار قدم بگذارید.

در پایان بر خود وظیفه می‌دانم که از همه عزیزانی که در شکل‌گیری این اثر سهیم بوده‌اند تشکر و تقدیر کنم. از همکاران محترم خیلی سبز که با برنامه‌ریزی دقیق، صبر و تحمل مسئولیت‌پذیرانه و پشتکار و جدیت در جهت بهبود کیفیت محتوایی و ظاهری کتاب کوشیدند، به ویژه سرکار خانم قموشی که صبورانه پروژه تألیف را تا انتها به پیش بردند تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

به امید روزی که با دستان امام حکمت و خرد، درخت عقل بشری ثمر دهد و سکه حکمت و خرد در میان انسان‌ها رایج‌ترین گردد.

دانش‌آموز همیشگی

مجید قدرتی‌پور

# فهرست

## درس‌ها

۸	درس اول: چیستی فلسفه
۹۲	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۱۹	درس دوم: ریشه و شاخه‌های فلسفه
۹۳	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۲۵	درس سوم: فلسفه و زندگی
۹۴	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۳۲	درس چهارم: آغاز تاریخی فلسفه
۹۵	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۳۹	درس پنجم: زندگی براساس اندیشه
۹۶	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۴۶	درس ششم: امکان شناخت
۹۷	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۵۳	درس هفتم: ابزارهای شناخت
۹۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۵۹	درس هشتم: نگاهی به تاریخچه معرفت
۹۹	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۷۰	درس نهم: چیستی انسان (۱)
۱۰۱	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۷۷	درس دهم: چیستی انسان (۲)
۱۰۲	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۸۳	درس یازدهم: انسان، موجود اخلاق‌گرا
۱۰۳	پاسخ سؤال‌های امتحانی
۱۰۵	مشاوره شب امتحان

## امتحانات

۱۰۷	امتحان‌های نیم‌سال اول (آزمون شماره ۱)
۱۰۹	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال اول (آزمون شماره ۱)
۱۱۰	امتحان‌های نیم‌سال اول (آزمون شماره ۲)
۱۱۲	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال اول (آزمون شماره ۲)
۱۱۳	امتحان‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۳)
۱۱۵	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۳)
۱۱۶	امتحان‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۴)
۱۱۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۴)
۱۱۹	امتحان‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۵)
۱۲۱	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۵)
۱۲۲	امتحان‌های نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۶)
۱۲۴	پاسخ سؤال‌های امتحانی نیم‌سال دوم (آزمون شماره ۶)

# درس نامہ و سؤالات امتحانات

# درس ۱: چیستی فلسفه

سلام رفقا! هالتون چه طوره؟ امیدوارم فودتونو برای شروع به ماچراپوچی میدی توی دنیای بی مرز علوم انسانی آماده کرده باشید. چون قراره با یکی از مهم ترین و قدیمی ترین علوم بشری، یعنی «فلسفه» آشنا بشیم. اول از همه باید ببینیم اصلاً این فلسفه چی هست و فرقیش با بقیه علوم چیه؛ به همین خاطر این درس می شه سنگ بنای هر چیزی که قراره بعداً توی این کتاب و این شاء الله سال آینده توی «فلسفه ۲» یاد بگیریم؛ پس بی حرف پیش، برو بریم ...

## کتاب فلسفه یازدهم سه بخش دارد:

**بخش اول:** فلسفه و ابعاد آن

**بخش دوم:** معرفت و شناخت

**بخش سوم:** انسان شناسی فلسفی و فلسفه اخلاق

## در بخش اول کتاب، ابتدایی ترین مباحث پیرامون فلسفه را مطالعه می کنیم:

چیستی فلسفه: که ببینیم این همه «فلسفه فلسفه» که می گن اصلاً چی هست!

ریشه و شاخه های فلسفه: بخش های اصلی و فرعی دانش فلسفه رو و این با مطرح می کنیم.

فلسفه و زندگی: حالا این فلسفه که این قدر در موردش حرف می زنن چه تأثیری روی زندگی هامون داره؟

آغاز تاریخی فلسفه: بالاخره باید به زره با تاریخ هر علم میدی آشنا بشیم و ببینیم از کجا شروع شده و به کجا رسیده!

زندگی براساس اندیشه: یک نمونه تمام عیار از کسی که براساس فلسفه زندگی کرد، سقراطه؛ پس فوبه باهاش آشنا بشیم!

## انسان و پرسش های پیرامون او

انسان در زندگی خود با مسائل گوناگونی روبه رو می شود. به موارد زیر دقت کنید:

مسائلی که ممکن است برای ما ایجاد کند	موضوعی که با آن مواجه می شویم
آیا اصولاً نوع بشر در تخریب زمین مقصر است؟ مگر انسان چه خصوصیتی دارد که چنین می کند؟ آیا تخریب یا آبادی زمین امری ثابت است یا نسبت به درک اشخاص معنا و مصداق متفاوتی پیدا می کند؟ مگر زمین برای انسان خلق نشده است؟ پس چرا انسان حق نداشته باشد آن را تخریب کند؟	همه می دانیم که حفظ زمین اهمیت ویژه ای دارد. با این وجود دانشمندان می گویند تنها موجودی که زمین را تهدید می کند، نوع بشر است. آنان می گویند بشر از این طریق ایجاد جامعه های صنعتی مصیبت های بزرگی برای محیط زیست پدید آورده است و در همین صد سال اخیر نسل میلیون ها گیاه و حیوان منقرض شده و دیگر خبری از آن ها نیست.
ریشه این تناقض در گفتار و عمل افراد چیست؟ آیا انسان ها با آن چیزی که دوست دارند، دشمنی می ورزند و از آن فرار می کنند؟ اصولاً عدالت یعنی چه؟ آیا مصادیق عدالت در همه جا یکسان است؟	از هر کسی درباره عدالت بپرسید، خواهد گفت مهم ترین عامل دوام و بقای جامعه عدالت است. در عین حال همه جوامع در طول تاریخ از بی عدالتی در رنج بوده و بسیاری از مردم برای رسیدن به عدالت فداکاری کرده اند، اما به آن نرسیده اند.
آیا جریان علم مبتنی بر احتمالات پیش می رود؟ پس حقیقت چگونه به دست می آید؟ یعنی ممکن است حقیقت ثابتی وجود نداشته باشد؟ آیا علم تجربی به تنهایی می تواند ما را به حقیقت هستی برساند؟ اگر می تواند، چگونه باید از خطای این علم جلوگیری کرد؟ اگر نمی تواند، از چه روشی باید به حقیقت هستی رسید؟	برخی می گویند نظریه های علمی پیوسته تغییر می کنند؛ برای مثال زمانی دانشمندان عقیده داشتند که هر جسمی یک حقیقت توپُر و متصلی است که اشیای ریز هم نمی توانند از آن عبور کنند. در قرن بیستم گفتند اجسام از اتم های بسیار کوچکی تشکیل شده اند که با چشم قابل دیدن نیستند. آن اتم ها هم از دو هسته و الکترون تشکیل شده اند و الکترون به دور هسته می گردد، چیزی شبیه به منظومه شمسی؛ فاصله زیادی میان الکترون و هسته هست و در این فاصله چیزی نیست؛ پس اجسام، اشیای متصل و توپُر نیستند. بعدها معلوم شد که علاوه بر ماده، انرژی هم وجود دارد و ماده و انرژی با هم عالم طبیعت را می سازند. اینان می گویند ممکن است دانشمندان در آینده به هر چیز دیگری معتقد شوند. علم یک قرن بعد ممکن است زمین را مسطح و خورشید را دور زمین قرار دهد!

آیا هر کسی که دزدی می کند الزاماً کار اشتباهی مرتکب شده است؟ معیار ما برای تشخیص کار خوب و بد چیست؟ آیا خوب و بد اموری مطلق هستند یا برای هر کسی متفاوت اند؟ اگر خوب و بد برای هر کس متفاوت است، پس مبنای تصمیم گیری ما چه باید باشد؟	فردی به اتهام دزدی به یک سال حبس محکوم می شود. بررسی ها نشان می دهد که علت دزدی، گرسنه بودن اعضای خانواده محکوم بوده است و متهم تا به حال اقدام به انجام هیچ جرمی نکرده است. عده ای بر این باورند که با توجه به شرایط متهم، قاضی باید در حکم خود تجدید نظر کند، اما برخی دیگر معتقدند که چشم پوشی از چنین جرمی، خلافکاران دیگر را به ارتکاب جرم ترغیب می کند.
آیا انسان موجودی مختار است؟ یا با سرنوشت و عاقبتی مشخص به دنیا آمده است؟ اگر اختیار دارد، منشأ این اختیار چیست؟ روح یا بدن؟ اگر اختیار ندارد و مانند ماشین برنامه مشخصی برایش تعیین شده است، پس این اعتراضات و ناآرامی ها در طول تاریخ برای چیست؟	والدین از روش های مختلفی برای تربیت فرزندان خود استفاده می کنند و در بیشتر اوقات تلاش می کنند تا به وسیله تنبیه و اجبار، رفتار فرزند خود را اصلاح کنند. عده ای باور دارند که نباید فرزند را مجبور به انجام کاری کرد، بلکه باید از روش های دیگری برای اصلاح رفتارشان بهره برد.

پرسش هایی که در رویارویی با پدیده های مختلف برای انسان ایجاد می شود را به دو دسته کلی می توان تقسیم کرد:

1. پرسش های عادی و مربوط به زندگی روزمره:
  - موضوع: کار، تحصیل، خانواده، دوستان و آشنایان، تفریح، خوراک، نحوه پوشش و ...
  - هر روز با تعداد زیادی از این قبیل پرسش ها و مسائل روبه رو می شویم و آن ها را حل می کنیم.
2. پرسش های اساسی و بنیادی مربوط به انسان و جهان:
  - موضوع: ابتدایی ترین و بنیادی ترین مسائل مربوط به انسان و هستی
  - گاهی در میان انبوه افکار و اندیشه های روزانه به آن ها برمی خوریم.
  - ممکن است ساعاتی طولانی ما را به خود مشغول کنند.

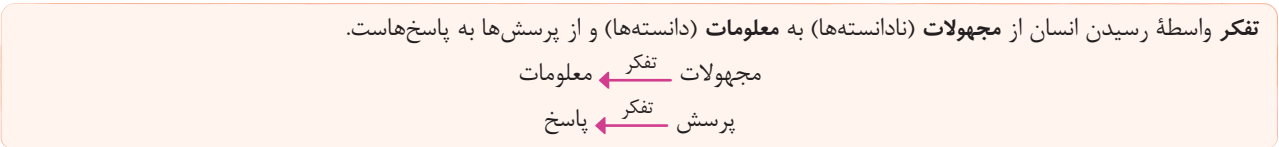
نمونه هایی از پرسش های عادی و روزمره	نمونه هایی از پرسش های اساسی
آیا خوردن غذاهای چرب موجب ناراحتی قلبی می شود؟	آیا این جهان خالقی دارد یا خودبه خود به وجود آمده است؟
بهترین راه برای رسیدن به تناسب اندام چیست؟	آیا انسان موجودی صرفاً مادی است؟
امروز چه لباسی بپوشم؟	مقصود ما از آزادی چیست؟
امروز از کجا غذا سفارش بدهم؟	مقصود ما از برابری چیست؟
آیا شکل زمین مانند یک کره کامل است؟	آیا می توان آزادی و برابری را به طور هم زمان حفظ کرد؟
با کدام یک از دوستانم درباره کنکور مشورت کنم؟	خوشبختی و سعادت انسان در گرو چیست؟
کدام تیم فوتبال شانس بیشتری برای قهرمانی دارد؟	سرانجام و عاقبت ما انسان ها چه می شود؟
تکلیف کدام درس را زودتر انجام بدهم؟	آیا هر چیزی علتی دارد یا برخی موارد استثنایی هستند؟
حل مسائل فیزیک سخت تر است یا شیمی؟	انسان چگونه جهان پیرامون را می شناسد؟

تفاوت میان سؤالات اساسی و سؤال های مربوط به زندگی روزمره چیست؟

**پاسخ:** ما به طور روزانه با مسائل عادی دست و پنجه نرم می کنیم؛ به عبارت دیگر نمی توانیم بدون پرداختن به این پرسش ها زندگی کنیم؛ اما گاهی اوقات میان انبوه پرسش های معمولی با پرسش های بنیادی و اساسی روبه رو می شویم که درباره بنیادی ترین مسائل مربوط به انسان، شناخت و هستی است. این پرسش های مهم به ریشه ای ترین مسائل در مورد هستی و موجودات جهان (مخصوصاً انسان) اشاره می کنند و اگر توجهی به آن ها نکنیم، زندگی روزمره مان مختل نمی شود. در ادامه با تفاوت مسائل اساسی و غیراساسی بیشتر آشنا می شویم ...

**انسان و تفکر**

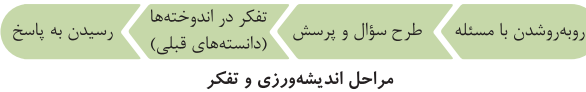
**پرسشگری** یکی از ویژگی های **خدادادی** (مادرزادی یا انتسایبی یا فطری) انسان است. کنیکوی پپه ها و استفادۀ زیادشون از کلمه «پرا» به همین خاطر! به همین دلیل انسان در زندگی خود و مخصوصاً در مواجهه با رویدادها و موقعیت های مختلف، با سؤالات زیادی روبه رو می شود. پرسش های انسان پیش از هر چیز، نشان می دهند که: 1) چیزی را نمی دانیم. 2) به دنبال دانستن آن هستیم. برای رسیدن به پاسخ سؤالات خود، به **تلاش فکری** یا **تفکر** نیاز داریم.





## کاربرد تفکر در زندگی روزمره چیست و بدون این توانایی چه بر سر انسان می‌آید؟

**پاسخ:** انسان با قدرت خدادادی تفکر در مورد سؤالات مختلف می‌اندیشد و تلاش می‌کند پاسخ آن‌ها را بیابد و امور روزمره خود را سامان دهد. اگر انسان چنین قدرتی نداشت، حتی نمی‌توانست در مورد کوچک‌ترین مسائل روزانه خود تصمیم‌گیری و اقدام کند، نه می‌توانست به درستی حرکت کند و نه می‌توانست به درستی صحبت کند؛ پس بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست.



مراحل اندیشه‌ورزی و تفکر

### حالا تو بگو



صحیح یا غلط بودن عبارت زیر را مشخص کنید.

۱- به واسطه تفکر، انسان از دانسته‌ها به مجهولات خود می‌رسد.

جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

۲- یکی از ویژگی‌های مادرزادی انسان ..... است.

۳- تمام اقدامات و فعالیت‌های روزانه ما وابسته به ..... است و بدون آن کاری از ما ساخته نیست.

۴- در فرایند اندیشه‌ورزی و تفکر، پیش از تفکر در اندوخته‌ها چه باید کرد؟

**پاسخ:** ۱ غلط؛ تفکر ما را از مجهولات (ندانسته‌ها) به معلومات (دانسته‌ها) می‌رساند، نه برعکس. ۲ پرسشگری / ۳ تفکر / ۴ طرح سؤال و پرسش

**دو مرتبه از تفکر: فلسفی و غیرفلسفی** همان‌گونه که در ابتدای درس گفتیم، سؤالاتی که انسان با آن‌ها روبه‌رو می‌شود به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱ سؤالات روزمره و عادی ← به این دسته از سؤالات می‌گوییم: «پرسش‌های غیرفلسفی».

۲ سؤالات اساسی و بنیادی ← به این دسته از سؤالات می‌گوییم: «پرسش‌های فلسفی».

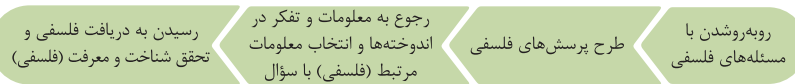
انسان برای پاسخگویی به سؤالات خود باید از قدرت خدادادی تفکر استفاده کند. حال اگر تفکر در جهت رسیدن به پاسخ سؤالات بنیادی باشد، به آن «تفکر فلسفی» می‌گوییم و در غیر این صورت، اندیشه‌مان از نوع «تفکر غیرفلسفی» است. به جدول زیر دقت کنید:



دو سؤال مهم این‌جا مطرح می‌شود:

۱ چگونه می‌توان از سطح تفکر غیرفلسفی عبور کرد و وارد سطح تفکر فلسفی شد؟ با جدیت و پیوستگی در اندیشیدن به سؤالات اساسی

۲ آیا هر کسی می‌تواند وارد سطح تفکر فلسفی شود؟ بله! هر انسانی فارغ از تخصص و سطح سوادش می‌تواند به این سطح وارد شود. آنگاه دقت کنید می‌بینید که مراحل زیر به لحاظ سافت‌اری عین مراحل تفکر معمولی هستند که قبلاً گفتیم. ولی با موضوع فلسفی!



مراحل تفکر فلسفی

**دو مرتبه از تفکر: فطرت اول و ثانی** ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی، از عبارات دیگری به جای «تفکر فلسفی» و «غیرفلسفی» استفاده می‌کرد:

مرتبه تفکر	عبارت مورد استفاده ملاصدرا	موضوع و دامنه	ضرورت داشتن در زندگی مادی	شایسته جایگاه و مقام انسانی
تفکر غیرفلسفی	فطرت اول	مسائل و امور روزمره و عادی	×	
تفکر فلسفی	فطرت ثانی	مسائل بنیادی و اساسی		×

فطرت اول برای گذراندن زندگی مادی ضروری است.

اما فطرت ثانی مرحله برتر و عالی‌تر تفکر و اندیشه است.

ماندن در فطرت اول و نپرداختن به فطرت دوم شایسته انسان نیست.

او از انسان‌ها می‌خواهد که بکوشند از فطرت اول عبور کرده و به فطرت ثانی برسند.

ملاصدرا معتقد است

**نکته:** حواستون باشه که فطرت اول برای تداوم بقای انسان لازم و ضروریه؛ پس:

- ✘ فطرت اول شایسته انسان نیست. ← برداشت غلط از سخنان ملاصدرا
- ✓ ماندن در فطرت اول شایسته انسان نیست. ← برداشت درست از سخنان ملاصدرا

### حالا تو بگو

جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید.

۱- راه رسیدن به پاسخ پرسش‌های بسیاری که برایمان به وجود می‌آید، ..... است.



صحیح یا غلط بودن عبارت زیر را مشخص کنید.



۲- بدون تفکر فلسفی، انسان نمی‌تواند به امور روزمره خود رسیدگی کند.

۳- اولین گام در مراحل اقدام به تفکر فلسفی چیست؟

۴- از نظر ملاصدرا چه چیزی شایسته مقام انسانی نیست؟

(۱) ماندن در فطرت ثانی

(۲) واردنشدن به فطرت ثانی

**پاسخ:** ۱) تفکر یا تلاش فکری / ۲) غلط؛ بدون تفکر (در معنای کلی آن) انسان نمی‌توانست به امور روزمره خود رسیدگی کند. تفکر فلسفی مربوط به مسائل بنیادی است، نه امور معمول زندگی. / ۳) روبه‌روشدن با پرسش (یا مسئله) فلسفی / ۴) گزینه «۲»؛ از نظر ملاصدرا ماندن در فطرت اول شایسته انسان نیست و بهتر است هر کسی وارد فطرت ثانی شده و به تفکر در مسائل اساسی بپردازد.

### پیدایش دانش فلسفه

بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع‌کننده برای پرسش‌های اساسی و بنیادی (فلسفی)، تصمیم‌گیری‌های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید؛ یعنی پیدا کردن جواب این سؤال برای عاقبت به‌فیری آدها فیلی مهمه!!! و آله تصمیم‌گیرامون به سرانجام روشنی رسید؛ پس هتماً پاسخ درستی برای سؤالای بنیادی داشتیم.

از آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی اهمیت پاسخگویی به این پرسش‌ها را دریافته و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح این سؤالات تلاش کردند.

تلاش‌های این اندیشمندان برای یافتن پاسخ قانون‌مند به این سؤالات، موجب ظهور «دانش فلسفه» شد.

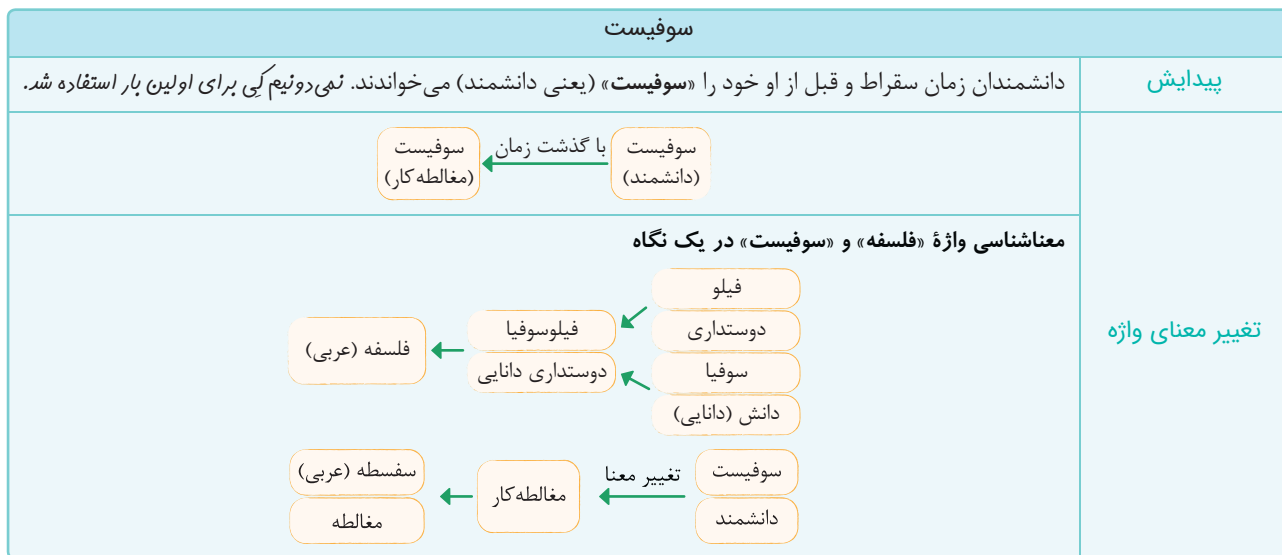
**نکته:** می‌دانیم که هر کسی می‌تواند وارد سطح دوم تفکر و اندیشه (فطرت ثانی) شود و به مسائل فلسفی بیندیشد و شاید حتی پاسخی برای آن‌ها داشته باشد؛ پس تفاوت یک فیلسوف و یک فرد عادی هنگام پاسخگویی به پرسش‌های فلسفی چیست؟

**پاسخ:** تفاوت اصلی فیلسوف (متخصص دانش فلسفه) با افراد عادی هنگام پرداختن به سؤالات فلسفی در جدیت و پیوستگی تفکر و قانون‌مندی پاسخی است که به پرسش‌های فلسفی ارائه می‌دهد.

به عبارت دیگر، هر کسی می‌تواند به مسائل اساسی و بنیادی بیندیشد و پاسخی برای آن‌ها پیدا کند، اما پیدا کردن پاسخ نظام‌مند و تخصصی کار هر کسی نیست و تنها یک فیلسوف می‌تواند چنین پاسخی ارائه کند.

### واژه‌شناسی «فلسفه» و «سوفیست»

فلسفه	
پیدایش	واژه «فلسفه» عربی است، اما ریشه یونانی دارد و از کلمه «فیلوسوفیا» (یعنی دوستداری دانایی) گرفته شده است. سقراط، فیلسوف بزرگ یونانی، واژه فلسفه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد. احتمالاً این واژه برای اولین بار توسط فیلسوف و ریاضی‌دان معروف، فیثاغورس، استفاده شده است. تو در رس پوارم بیشتر در موردش می‌فونیم.
دامنه موضوعات	در گذشته ← همه دانش‌ها را شامل می‌شده است. امروزه ← تنها به بررسی سؤالات بنیادی و فلسفی می‌پردازد. (دانش خاص) گذشت زمان و پیشرفت دانش‌های مختلف موجب محدودشدن دامنه موضوعات فلسفه شد.
تغییر معنای واژه	فلسفه به معنای دوستداری دانایی / فلسفه به معنای همه دانش‌ها / فلسفه به معنای دانش خاص سیر تحول معنای واژه «فلسفه»



**نکته:** به گزاره‌های زیر دقت کنید: احتمال این‌که تو امتحان از شون سوال بیار فیلی زیاد!!!

- با گذشت زمان کلمه سوفیست (دانشمند) مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم «مغالطه‌کار» به خود گرفت.
- کلمه عربی «سفسطه» هم که از لفظ «سوفیست» گرفته شده، معنای «مغالطه‌کاری» می‌دهد.
- رفته‌رفته کلمه فیلسوف به مفهوم «دانشمند» ارتقا پیدا کرد و کلمه فلسفه نیز مترادف با «دانش» شد.

**فیلسوف یا سوفیست؟** سقراط واژه فلسفه را بر سر زبان‌ها انداخت و خود را نیز فیلسوف (یعنی دوستدار دانایی) خواند، اما دانشمندان هم‌عصر او خود را سوفیست می‌نامیدند.

دلایل سقراط برای این‌که نمی‌خواست او را سوفیست بنامند:

- تواضع و فروتنی در برابر علم و دانایی
- هم‌ردیف‌نشدن با سوفیست‌ها

بد نیست برخی از ویژگی‌های سوفیست‌ها در زمان سقراط را بررسی کنیم: فب طبیعی‌که هیشکی دلش نمی‌تواد مثل این آدمای دروغگو و مغالطه‌کار باشه.

دغدغه و مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها	✓ پیروزی بر رقیب ✗ بیان واقع و دفاع از حقیقت
شغل و پیشه	عمدتاً تعلیم سخنوری و وکالت
نوع استدلال‌ها	مغالطه یعنی دلبلاشون ظاهراً درست بوده، اما در واقع داشتن سر بقیه شیره می‌مالیدن!
دیدگاه درباره حقیقت و واقعیت	برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبودند. هر کس هر چه خودش می‌فهمد همان حقیقت و واقعیت است. (یعنی واقعیت به پیز نسبیه!)

### حالا تو بگو

صحیح یا غلط بودن عبارت زیر را مشخص کنید.

- واژه «فلسفه» ریشه عربی دارد و معنای آن «دوستداری دانش» است. جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید.
- واژه «فیلسوف» رفته‌رفته جایگزین لفظ ..... در زبان یونانی شد.
- چه کسی برای اولین بار لفظ فلسفه را بر سر زبان‌ها انداخت؟  
 (۱) فیثاغورس       (۲) سقراط
- سوفیست‌ها معمولاً چه حرفه و شغلی را در پیش می‌گرفتند؟
- آن‌چه واژه فلسفه در زمان سقراط شامل می‌شد چه تفاوتی با آن‌چه امروزه شامل می‌شود، دارد؟

**پاسخ:** ۱ غلط؛ واژه «فلسفه» ریشه یونانی دارد (فیلسوفیا) که به معنای «دوستداری دانایی (یا دانش)» است. ۲ سوفیست (به معنای دانشمند) / ۳ گزینه «۲» / ۴ تعلیم سخنوری و وکالت / ۵ در آن زمان شامل همه علوم می‌شد، ولی امروزه فقط شامل همین دانش خاص (فلسفه) می‌شود.

هر دانشی از دو جهت از سایر دانش‌ها متمایز و جدا می‌شود:

۱. از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می‌کند. طبیعتاً هر علمی در مورد موضوع خاصی صحبت می‌کند!
۲. از جهت روشی که در آن دانش برای بررسی موضوع، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

موضوع و روش دانش فلسفه			
موضوع فلسفه منحصربه‌فرد است!	<ul style="list-style-type: none"> <li>➊ بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان</li> <li>➋ بررسی آن دسته از ویژگی‌های موجودات که مربوط به هستی و موجودیت آن‌ها است.</li> </ul>	بنیادی‌ترین موضوعات	موضوع
	<p style="text-align: center;">↓</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>➌ به همین خاطر، مباحث فلسفی پایه و اساس سایر علوم به شمار می‌آیند.</li> <li>➍ به یک حیطه خاص محدود نمی‌شود.</li> </ul>		
مانند علم ریاضی و منطق	<ul style="list-style-type: none"> <li>➎ حواس و آزمایش‌های تجربی کاربردی ندارند.</li> <li>➏ تنها باید به عقل و استدلال‌های عقلی تکیه کرد.</li> <li>➐ باید با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها مسائل را بررسی کرد.</li> </ul>	روش عقلی و قیاسی	روش

### تفکیک

سؤال‌های زیر را به دقت مطالعه کنید و ببینید کدام موارد مربوط به موضوع فلسفه هستند و کدام پرسش‌ها متعلق به سایر علوم؟

ردیف	سؤال‌ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟		
۳	خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟		
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟		
۵	آیا هر چیزی دارای علت است؟		
۶	آیا زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن ماست؟		
۷	پیرشدن سلول‌ها اثر کدام عامل شیمیایی است؟		
۸	آیا پدیده‌ها می‌توانند به اختیار خود موجود شوند؟		

**پاسخ:** سؤال از ما می‌خواهد تا سؤالات فلسفی را در دسته «الف» و سایر سؤالاتی را که در علوم مختلف بررسی می‌شوند در دسته «ب» قرار دهیم. به این ترتیب:

- ۱ «ب» (سؤال تاریخی)، ۲ «الف» ۳ «ب» (سؤال فقهی) ۴ «ب» (سؤال تاریخی)، ۵ «الف» ۶ «الف» ۷ «ب» (سؤال زیست‌شناسی) ۸ «الف»

### تفکر

به این مسئله‌ها توجه کنید:

- ۱- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟
  - ۲- چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می‌شود؟
  - ۳- چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟
  - ۴- آیا هر حیاتی پایانی دارد؟
  - ۵- آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟
- همان‌طور که در کتاب منطق آموخته‌اید، برای رسیدن به علم معمولاً از روش‌هایی چون تجربه و استقرا و نیز قیاس استفاده می‌شود. توضیح دهید که درباره هر کدام از این مسئله‌ها با کدام روش می‌توان تحقیق کرد و به نتیجه رسید.

**پاسخ:**

- ۱ استدلال قیاسی؛ در ریاضیات از اقسام استدلال‌های قیاسی استفاده می‌شود.
- ۲ استدلال استقرایی و تجربی؛ این سؤال در حوزه علوم طبیعی است و لذا باید از تجربه استفاده کرد.
- ۳ استدلال استقرایی و تجربی؛ این سؤال در حوزه علوم انسانی است و لذا باید از تجربه و استقرا استفاده کرد.
- ۴ استدلال قیاسی؛ این یک سؤال فلسفی و در مورد حیات در کل هستی است؛ پس در مورد خداوند و فرشتگان نیز صحبت می‌کند.
- ۵ استدلال قیاسی؛ این یک سؤال فلسفی درباره کل هستی سؤال می‌کند و کل هستی در ظرف تجربه و آزمایش انسان قرار نمی‌گیرد.

۱- کدام یک از افراد زیر بیشتر اهل تفکر فلسفی است؟

الف) کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی را به خوبی آموخته و توضیح می‌دهد.

ب) کسی که در آرای فیلسوفان می‌اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش محکم است، انتخاب و ارائه می‌کند.

**پاسخ:** فرد (ب)، فب معلومه که این آدم بیشتر اهل تفکر و استدلاله!

۲- برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام‌هایی است که این گام‌ها به صورت نامرتب قرار گرفته‌اند. با توجه به نظر خود، آن‌ها را به ترتیب بازنویسی کنید.

- ◀ ارائه استدلال صحیح
▶ جست‌وجوی پاسخ برای سؤالات
▶ داشتن معیار برای پذیرش پاسخ
▶ آگاهی از مجهولات و ندانسته‌های خود



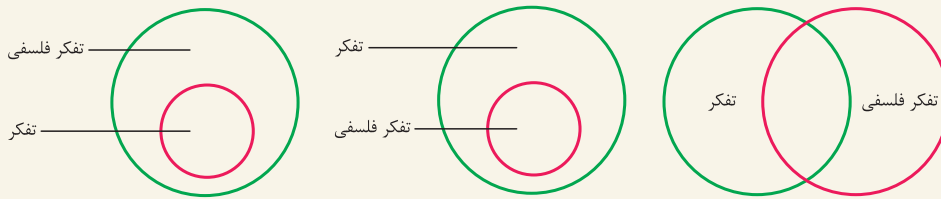
گام‌های قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی

۳- نکات اساسی مربوط به هر یک از عناوین درس را استخراج و در جدول زیر یادداشت کنید.

عنوان	نکات اساسی
چیستی فلسفه	<ul style="list-style-type: none"> <li>فلسفه یعنی تفکر دربارهٔ اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل مربوط به انسان و جهان.</li> <li>الف) پرسش‌های عادی و مربوط به امور روزانه (کار، درس، خانواده و ...)</li> <li>ب) پرسش‌های اساسی و بنیادی (مربوط به اصل و اساس هستی و انسان)</li> </ul>
تفکر	<ul style="list-style-type: none"> <li>انسان به طور مداوم با پرسش‌های مختلفی (الف) پرسش‌های عادی و مربوط به امور روزانه (کار، درس، خانواده و ...) روبه‌رو می‌شود که به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: ب) پرسش‌های اساسی و بنیادی (مربوط به اصل و اساس هستی و انسان)</li> <li>یکی از ویژگی‌های مهم انسان پرسشگری است.</li> <li>این پرسش‌ها نشان می‌دهند که: ۱. چیزی را نمی‌دانیم.</li> <li>۲. به دنبال دانستن آن هستیم.</li> <li>راه اصلی کسب علم و دانش، تفکر است و بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست.</li> <li>در هنگام تفکر، انسان دلایل و استدلال‌هایی را شکل می‌دهد.</li> </ul>
مراتب تفکر	<ul style="list-style-type: none"> <li>تفکر را براساس موضوع تفکر ۱. تفکر فلسفی: برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های اساسی و بنیادی می‌توان به دو مرتبه تقسیم کرد: ۲. تفکر غیرفلسفی: برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های عادی و مربوط به امور روزانه</li> <li>ملاصدرا این مراتب را این‌گونه نام‌گذاری کرده است: ۱. تفکر غیرفلسفی = مرتبه نخست = فطرت اول</li> <li>۲. تفکر فلسفی = مرتبه دوم = فطرت ثانی</li> <li>ملاصدرا معتقد بود که ماندن در فطرت اول، شایستهٔ مقام انسانی نیست و هر کسی بهتر است از مرتبهٔ اول عبور کرده و وارد مرتبهٔ دوم شود.</li> <li>عبور از فطرت اول و ورود به فطرت ثانی، نیازمند جدیت و تلاش فکری بیشتری است.</li> <li>هر کسی فارغ از جنسیت، ملیت، شغل، خانواده، اعتقادات و ... می‌تواند وارد وادی دوم (فطرت ثانی) شود و دربارهٔ پرسش‌های اساسی بیندیشد و به اندازهٔ سطح سواد و فکر خود، پاسخی به این پرسش‌ها ارائه دهد.</li> </ul>
دانش فلسفه	<ul style="list-style-type: none"> <li>دانش فلسفه حاصل تلاش جدی انسان برای یافتن پاسخ قانون‌مند پرسش‌های فلسفی است.</li> <li>کسی می‌تواند به سؤال‌های فلسفی پاسخ دقیق بدهد که در این دانش تخصص داشته باشد.</li> <li>بدون پاسخ درست و قانع‌کننده برای این پرسش‌ها، تصمیم‌گیری‌های انسان نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد داشت.</li> <li>اهمیت این موضوع از آغازین روزهای حیات فکری بشر، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.</li> </ul>
ویژگی‌های دانش فلسفه	<ul style="list-style-type: none"> <li>هر دانشی موضوع و روش خاصی دارد. برای دانش فلسفه: موضوع: اصل وجود و حقیقت جهان (که بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات است).</li> <li>روش: استدلال عقلی و قیاسی</li> <li>دانش فلسفه در موضوع منحصر به فرد است، اما روش عقلی و قیاسی در علومی چون ریاضیات و منطق هم کاربرد دارد.</li> </ul>



۴- اگر بخواهیم رابطه «تفکر» و «تفکر فلسفی» را به صورت دو دایره ترسیم کنیم، این دو دایره به شکل کدام یک از صورت‌های زیر خواهد بود؟ چرا؟



**پاسخ:** تفکر فلسفی مرتبه‌ای از تفکر است و مصداقی خارج از تفکر ندارد؛ پس دایره تفکر کل مصداقی تفکر فلسفی را در بر می‌گیرد و هم‌چنین مصداقی هم از تفکر غیرفلسفی داریم؛ پس رابطه این دو مفهوم عموم خصوص مطلق است (تفکر عام‌تر از تفکر فلسفی است). شکل وسط، پاسخ صحیح این سؤال است.

۵- در میان عبارتهای زیر، عبارتهای صحیح را انتخاب کنید.

(الف) تفکر فلسفی، تفکر در حوزه فطرت اول و فلسفه، تفکر در حوزه فطرت ثانی است.

(ب) تفکر دو قلمرو دارد؛ تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی.

(پ) تفکر فلسفی و فلسفه، هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می‌گیرند.

(ت) در فلسفه هم تفکر فلسفی صورت می‌گیرد، اما به شکل نظام‌مند و تخصصی.

(ث) کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطرت اول ندارد.

**پاسخ: الف** غلط؛ فطرت اول مربوط به مسائل عادی و روزمره است که با تفکر غیرفلسفی سروکار دارد، اما تفکر فلسفی مربوط به حوزه فطرت ثانی است که در دانش فلسفه هم کاربرد دارد.

**ب** درست؛ فطرت اول مخصوص امور عادی و روزمره و فطرت ثانی مخصوص مسائل و پرسش‌های اساسی.

**پ** درست

**ت** درست؛ هر کسی می‌تواند وارد حوزه فطرت ثانی شده و به تفکر فلسفی برسد و از این طریق پاسخی برای پرسش‌های فلسفی پیدا کند، اما کسی که به طور تخصصی فلسفه را فرامی‌گیرد، به شکل نظام‌مند و سیستماتیک می‌اندیشد و پاسخی هم که پیدا می‌کند قاعده‌مندتر هستند.

**ث** غلط؛ تفکر فلسفی ما را بی‌نیاز از تفکر در مسائل روزمره زندگی نمی‌کند و هر انسانی باید برای حفظ بقای جسمانی خود به فطرت اول هم بپردازد، اما ماندن در فطرت اول و پرهیز از تفکر در مسائل بنیادی شایسته انسان نیست.

۶- فلسفه از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟

**پاسخ:** از جهت موضوع اختلاف دارند، اما روش آن‌ها مشترک است؛ هر دو برای رسیدن به پاسخ از استدلال‌های عقلی و قیاسی استفاده می‌کنند.

## خلاصه درس ۱

مسئله‌هایی که انسان در زندگی با آن‌ها مواجه است } مسائل عادی و روزمره  
 مسائل اساسی و بنیادی } گاه و بی‌گاه برای ما رخ می‌دهد و می‌تواند ساعت‌های طولانی ما را به خود مشغول کند.

واسطه انسان برای رسیدن از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌ها } تفکر  
 ۲ مرتبه دارد } غیرفلسفی: پرداختن به سؤالات عادی و روزانه و تلاش برای پاسخ به آن‌ها  
 فلسفی: پرداختن به سؤالات بنیادی و اساسی به صورت جدی و پیوسته و تلاش برای یافتن پاسخ آن‌ها  
 دارای ۴ مرحله است: } روبه‌رو شدن با مسئله } طرح سؤال } تفکر در اندوخته‌ها } رسیدن به پاسخ

ملاصدرا } مشغول بودن به امور عادی و روزمره را «فطرت اول» می‌نامد و ماندن در این فطرت را شایسته انسان نمی‌داند.  
} مشغول بودن به امور بنیادی و اساسی را «فطرت دوم» می‌نامد.

① دانشی که عهده‌دار پاسخ قانون‌مند به سؤالات اساسی و بنیادی است، «فلسفه» است.

① واژه فلسفه } لفظی عربی از ریشه یونانی «فیلسوفیا» به معنای دوستداری دانایی که بعدها به معنای «مطلق دانش» و امروزه به «دانش خاص» تغییر معنا داده است. (سقراط این واژه را بر سر زبان‌ها انداخت.)

سوفیست } دانشمندان زمان سقراط، خود را سوفیست می‌نامیدند.  
} هدفشان پیروزی بر رقیب بود و به همین خاطر اهل مغالطه بودند.  
} معتقد بودند هر کس هر چه ببیند، همان حقیقت است و ارزشی برای واقعیت قائل نبودند.  
} در ابتدا به معنای دانشمند و امروزه به معنای مغالطه‌کار است.

دانش‌ها از دو جهت با یکدیگر متفاوت می‌شوند ← ۱ یا از جهت موضوع ۲ یا از جهت روش

- بنیادی‌ترین موضوعات یعنی وجود.
  - فلسفه موجود خاصی را بررسی نمی‌کند.
  - فلسفه اصل وجود و حقیقت جهان، انسان و طبیعت را بررسی می‌کند.
  - چون به وجود اشیا می‌پردازد، مباحث فلسفه مبنای مباحث سایر علوم هستند.
- موضوع فلسفه
- روش عقلی و قیاسی (استدلالی)
  - شبیه ریاضیات
  - در فلسفه از حس و تجربه و ابزار نمی‌توان بهره برد.
- روش فلسفه

## ؟ سؤال‌های امتحانی

■ تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می‌باشد.

(نویسی فرداد ۱۴۰۳)

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱- رویارویی انسان با سؤالات روزمره و جست‌وجوی پاسخ آن‌ها، مرحله اول تفکر است.

۲- یکی از ویژگی‌های انسان پرستشگری است.

۳- فلسفه به بررسی اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل مربوط به انسان و جهان می‌پردازد.

۴- تنها اندیشمندان آگاه به دانش فلسفه می‌توانند به سؤالات بنیادی پاسخ دهند.

۵- پاسخ کسانی که به طور جدی و قانون‌مند به مسائل بنیادی می‌اندیشند از پاسخ سایر افراد دقیق‌تر است.

۶- پرسش از اصل و اساس «عدالت» و چیستی آن در حیطة فلسفه مطرح نمی‌شود.

۷- سؤالات اساسی درباره بنیادی‌ترین مسائل مربوط به انسان، شناخت و هستی است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۸- بدون تفکر فلسفی، انسان نمی‌تواند به امور روزمره خود رسیدگی کند.

۹- تفکر در حوزه مسائل بنیادی، انسان را از تفکر در مسائل روزمره بی‌نیاز می‌کند.

۱۰- واژه فلسفه ریشه عربی دارد و معنای آن «دوستداری دانش» است.

۱۱- واژه «فلسفه» در گذشته تنها به دانش خاصی اشاره داشته که به بررسی مسائل بنیادی هستی می‌پردازد.

۱۲- سقراط کسی بود که برای اولین بار واژه «فلسفه» را بر سر زبان‌ها انداخت.

۱۳- سقراط خود را مانند سایر دانشمندان هم‌عصر خود، «فیلسوف» نامید.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۱۴- هدف سوفیست‌ها بیان واقع و دفاع از حقیقت بود.

۱۵- موضوع دانش فلسفه به یک حیطة خاص محدود نمی‌شود.

۱۶- برای ورود به فطرت ثانی باید امور روزانه زندگی و مسائل مربوط به فطرت اول را کنار گذاشت.

۱۷- ملاصدرا فیلسوف بزرگ مسلمان، فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند.

۱۸- از آن‌جا که فلسفه به اصل وجود و حقیقت جهان و انسان و طبیعت می‌پردازد، مباحث آن مبنای همه علوم به حساب می‌آید.

۱۹- سؤالات بنیادی و اساسی، مسائلی هستند که فقط برای کسانی که وارد تفکر فلسفی شده‌اند، به وجود می‌آیند.

۲۰- رابطه بین تفکر و تفکر فلسفی، عموم و خصوص مطلق است.

(برگرفته از کنکور)

۲۱- برای ورود به تفکر فلسفی نیازی به آموختن دانش فلسفه یا اصطلاحات فلسفی نمی‌باشد.

۲۲- ابن سینا، مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر درباره آن‌ها را «فطرت اول» نامید.

۲۳- کسی که به خوبی حرف‌های یک فیلسوف را مطالعه می‌کند و همه آن‌ها را به خاطر نویسنده‌اش می‌پذیرد اهل تفکر فلسفی نیست.

(برگرفته از کنکور)

۲۴- در تفکر فلسفی، همواره پس از طرح یک سؤال فلسفی توسط مخاطب، با یک مسئله فلسفی مواجه می‌شویم.

■ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۲۵- برای رسیدن به پاسخ سؤالات خود، به ..... نیاز داریم.

۲۶- تفکر واسطه رسیدن انسان از ..... به ..... است.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۲۷- ملاصدرا تفکر فلسفی را ..... و تفکر غیرفلسفی را ..... می‌نامد.

(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۲۸- لفظ «فلسفه» ریشه ..... دارد و عربی‌شده کلمه ..... است.

۲۹- واژه «فیلوسوفیا» از دو بخش «فیلو» به معنای ..... و «سوفیا» به معنای ..... تشکیل شده است.

۳۰- واژه «سوفیست» پس از گذشت زمان از ..... به ..... تغییر معنا می‌دهد.

۳۱- دو علم فلسفه و ریاضیات ..... یکسان و ..... متفاوتی دارند.

۳۲- مسائل فلسفی از جهت ..... مانند مسائل ..... هستند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید پاسخشان را یافت. (برگرفته از امتحانات مدارس کشور)

۳۳- در مراحل تفکر پس از روبه‌رو شدن با مسئله، باید ..... انجام بدهیم. (برگرفته از کنگور)

۳۴- سقراط به سبب تواضع و فروتنی در برابر ..... خود را فیلسوفوس نامید.

۳۵- تلاش‌های ..... برای پاسخ ..... به سؤالات بنیادی موجب ظهور دانش فلسفه شده است.

۳۶- اهمیت سؤالات بنیادی از همان آغازین روزهای ..... انسان مورد توجه قرار گرفته است.

۳۷- با توجه به روابط چهارگانه بین مفاهیم کلی، رابطه مفهوم «تفکر» و «تفکر فلسفی» ..... است.

■ گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۳۸- کدام پرسش فلسفی است؟

(۱) آغاز و انجام جهان چگونه است؟

(۲) جهان از چه موادی تشکیل شده است؟

۳۹- کدام پرسش بنیادی‌تر است؟

(۱) انسان‌های اولیه چه تصویری از خداوند جهان داشته‌اند؟

(۲) آیا باور به خدا در ذات انسان نهادینه شده است؟

۴۰- کدام مورد درباره مراحل اندیشیدن و تفکر درست است؟

(۱) طرح سؤال و پرسش ← تفکر در اندوخته‌ها

(۲) تفکر در اندوخته‌ها ← طرح سؤال و پرسش

۴۱- کدام سطح از تفکر در نگاه ملاصدرا شایسته انسان است؟

(۱) فطرت اول

(۲) فطرت ثانی

۴۲- واژه «فلسفه» به چه زبانی است؟

(۱) یونانی

(۲) عربی

۴۳- دانشمندان زمان سقراط و قبل از او خود را چه می‌نامیدند؟

(۱) سوفیست

(۲) فیلسوفوس

۴۴- فلسفه در گذشته کدام دانش‌ها را شامل می‌شده است؟

(۱) همه دانش‌ها

(۲) دانش خاص

۴۵- کدام واژه در گذر زمان جای «سوفیست» را گرفت؟

(۱) فیلسوفوس

(۲) سفسطه

۴۶- موضوع دانش فلسفه چگونه است؟

(۱) مانند ریاضی است.

(۲) منحصر به فرد است.

۴۷- روش مورد استفاده در دانش فلسفه بر چه چیزی متکی است؟

(۱) حواس و آزمایش‌های تجربی

(۲) قیاس و استدلال‌های عقلی

۴۸- تفکر کردن در علوم مختلف دارای ..... یکسان و ..... مختلف است.

(۱) موضوع - مراحل

(۲) مراحل - موضوع

۴۹- کدام مورد درباره مراحل رسیدن به دریافت فلسفی صحیح است؟

(۱) به دنیا آمدن یک کودک معلول ← آیا عدالت در این تولد، رعایت شده است؟ ← عدالت به معنای تساوی نیست. ← این کودک توانمندی‌های دیگری خواهد داشت که عادلانه است.

(۲) آیا جهان منظم است؟ ← نظم به چه معناست؟ ← کهکشان‌ها و سیارات حرکت منظم دارند. ← جهان منظم است.

۵۰- چرا سوفیست‌ها در استدلال‌های خود مغالطه می‌کردند؟

(۱) چون معتقد بودند هر کس هر چه بپندارد، حقیقت است.

(۲) چون هدف آن‌ها پیروزی بر رقیب بود.

۵۱- ویژگی منحصر به فرد فلسفه در مقایسه با سایر علوم کدام است؟

(۱) موضوع فلسفه

(۲) روش فلسفه

۵۲- کدام «چرا» در حوزه تفکر فلسفی قرار نمی‌گیرد؟

(۱) چرا نماز می‌خوانیم؟

(۲) چرا جهان آفریده شده است؟

۵۳- کدام مورد را می‌توان به طور قطعی دلیل عدم تمایل سقراط برای استفاده نکردن از واژه «سوفیست» برای خود دانست؟

(۱) تواضع و فروتنی در برابر علم

(۲) هم‌ردیف‌نشدن با سوفیست‌ها



■ به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

- ۵۴- دانش فلسفه و فیزیک از چه جهاتی قابل تمایز هستند؟  
(نویسندگی فرداد ۱۴۰۳)
- ۵۵- مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها از اشتغال به تعلیم سخنوری و وکالت چه بود؟ و در استدلال‌های خود بیشتر از چه چیزی کمک می‌گرفتند؟  
(نویسندگی فرداد ۱۴۰۳)
- ۵۶- پرسش‌های انسان در گام نخست بیانگر چه چیزی هستند؟
- ۵۷- سؤالاتی که انسان با آن‌ها روبه‌رو می‌شود به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ فلسفه کدام دسته را بررسی می‌کند؟
- ۵۸- تفکر چیست؟ دو مرتبه تفکر را نام ببرید.  
(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)
- ۵۹- مراحل اندیشه‌ورزی و تفکر در انسان را به ترتیب بنویسید.  
(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)
- ۶۰- لازمه عبور از سطح تفکر غیرفلسفی و ورود به تفکر فلسفی چیست؟
- ۶۱- چه کسانی اهل تفکر فلسفی هستند؟
- ۶۲- ملاصدرا چه چیزی را شایسته مقام انسانی نمی‌داند؟
- ۶۳- نداشتن پاسخ درست و قانع‌کننده به پرسش‌های بنیادی چه عاقبتی دارد؟
- ۶۴- سیر تحول دامنه موضوعات و معنای «فلسفه» را نام ببرید.
- ۶۵- امروزه دامنه کاربرد «فلسفه» چه تغییری نسبت به زمان سقراط کرده است؟
- ۶۶- موضوع و روش فلسفه را بنویسید.  
(برگرفته از امتحانات مدارس کشور)
- ۶۷- سوفیست‌ها به جای علوم به چه مواردی می‌پرداختند؟
- ۶۸- مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها چه بود؟
- ۶۹- تفاوت علوم و دانش‌ها با یکدیگر از چند جهت می‌تواند باشد؟
- ۷۰- تفکر غیرفلسفی را تعریف کنید.
- ۷۱- تفکر فلسفی چیست؟
- ۷۲- دانش فلسفه به کدام دسته از سؤالات مربوط به علوم مختلف پاسخ می‌دهد؟
- به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.
- ۷۳- آیا عبور از فطرت اول ما را از آن بی‌نیاز می‌کند؟ چرا؟
- ۷۴- تفاوت اصلی فیلسوف با افراد عادی به هنگام مواجهه با سؤالات اساسی چیست؟
- ۷۵- علت تغییر معنای «فلسفه» از بعد از زمان سقراط تا به امروز چه بوده است؟
- ۷۶- چرا سقراط ترجیح می‌داد خود را فیلسوف بنامد، نه سوفیست؟
- ۷۷- سوفیست‌ها را معرفی کنید و عقیده آن‌ها در مورد حقیقت و واقعیت را شرح دهید. 
- ۷۸- گام‌های قرارگرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی را به ترتیب نام ببرید.

# پاسخ نامہ تشریحی



**درس اول: چیستی فلسفه**

۱. صحیح
۲. صحیح
۳. صحیح
۴. غلط؛ هر کسی می‌تواند به سوالات بنیادی و اساسی پاسخ دهد، اما کسانی که به دانش فلسفه تسلط دارند، پاسخ دقیق‌تری پیدا می‌کنند.
۵. صحیح
۶. غلط؛ پرسش از اصل و اساس هر چیزی در علم فلسفه بررسی می‌شود، از جمله چیستی مفهوم «عدالت» و مصادیق آن.
۷. صحیح
۸. غلط؛ رسیدگی به امور روزمره زندگی نیازی به تفکر فلسفی ندارد (هرچند به تفکر (به معنای عام) نیازمند است).
۹. غلط؛ انسان هیچ‌گاه از تفکر در مسائل روزمره خود بی‌نیاز نمی‌شود، چراکه حیات و بقای او وابسته به همین امور روزمره است.
۱۰. غلط؛ ریشه یونانی دارد.
۱۱. غلط؛ در گذشته همه دانش‌ها را در بر می‌گرفته، اما امروزه معنای آن به همین دانش خاص (که به بررسی مسائل بنیادی پیرامون هستی می‌پردازد)، محدود شده است.
۱۲. صحیح
۱۳. غلط؛ دانشمندان هم‌عصر سقراط خود را «سوفیست» می‌نامیدند.
۱۴. غلط؛ هدف اصلی آنان پیروزی بر حریف در موقعیت‌های مختلف بود.
۱۵. صحیح
۱۶. غلط؛ برای ورود به فطرت ثانی، نیازی به کنارگذاشتن امور عادی زندگی نیست.
۱۷. غلط؛ ملاصدرا «ماندن»، در فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند.
۱۸. صحیح
۱۹. غلط؛ مسائل بنیادی، سؤالاتی هستند که برای همه انسان‌ها به وجود می‌آیند، اگرچه همه به دنبال پاسخ آن‌ها نمی‌روند.
۲۰. صحیح
۲۱. صحیح
۲۲. غلط؛ تعریف فطرت اول از آن ملاصدرا است.
۲۳. صحیح
۲۴. غلط؛ در مراحل تفکر فلسفی، روبه‌رو شدن با یک مسئله فلسفی، پیش از طرح سؤال درباره آن اتفاق می‌افتد.
۲۵. تفکر (فعالیت فکری)
۲۶. مجهولات - معلومات
۲۷. فطرت ثانی - فطرت اول
۲۸. یونانی - فیلسوفیا
۲۹. دوست‌داشتن - دانایی (دانش)
۳۰. دانشمند - مغالطه‌کار
۳۱. روش - موضوع
۳۲. روش - ریاضی یا منطق
۳۳. طرح سؤال
۳۴. علم و دانایی
۳۵. بشر - قانون‌مند
۳۶. حیات فکری
۳۷. عموم و خصوص مطلق
۳۸. ۱ مواد تشکیل‌دهنده جهان مربوط به علوم تجربی است.
۳۹. ۲ پرسش اول در حیطه تاریخ بررسی می‌شود.
۴۰. ۱
۴۱. ۲
۴۲. ۲ واژه «فلسفه» عربی است، اما ریشه یونانی دارد.
۴۳. ۱
۴۴. ۱
۴۵. ۱
۴۶. ۲ موضوع دانش فلسفه منحصر به فرد است، اما روش آن مانند دانش ریاضی و منطق است.
۴۷. ۲
۴۸. ۲
۴۹. ۱
۵۰. ۲
۵۱. ۱
۵۲. ۱
۵۳. ۱

۵۴. از جهت موضوع و از جهت روش
۵۵. پیروزی بر رقیب - مغالطه / سفسطه
۵۶. ۱ چیزی را نمی‌دانیم (۲) به دنبال دانستن آن هستیم.
۵۷. ۱ سوالات روزمره و عادی (غیرفلسفی) (۲) سوالات اساسی و بنیادی (فلسفی)؛ که فلسفه وظیفه بررسی سوالات دسته دوم را دارد.
۵۸. تفکر یک قدرت خدادادی است که به کمک آن درباره سوالات مختلف می‌اندیشیم و امور روزمره خود را سامان می‌دهیم. به عبارت دیگر تفکر واسطه رسیدن انسان از مجهولات (پرسش‌ها) به معلومات (پاسخ‌ها) است. تفکر دو مرتبه دارد:
- ۱) تفکر عادی و غیرفلسفی (۲) تفکر فلسفی
۵۹. ۱ روبه‌رو شدن با مسئله، (۲) طرح سؤال و پرسش، (۳) تفکر در اندوخته‌ها و نهایتاً (۴) رسیدن به پاسخ
۶۰. جدیت و پیوستگی در تفکر
۶۱. کسانی که در طول روز ساعتی را صرف اندیشیدن به مسائل اساسی می‌کنند و از حیطه سوالات و مسائل روزمره فراتر می‌روند و تلاش می‌کنند تا به پاسخ این پرسش‌های بنیادی برسند.
۶۲. ماندن در فطرت اول (حیطه مسائل روزمره و عادی)
۶۳. تصمیم‌گیری‌های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید.
۶۴. فلسفه به معنای دوستداری دانایی ← فلسفه به معنای مطلق دانش ← فلسفه به معنای دانش خاص
۶۵. دامنه آن محدودتر شده و تنها به بررسی مسائل اساسی و بنیادی پیرامون انسان و جهان می‌پردازد.
۶۶. موضوع فلسفه: بنیادی‌ترین موضوعات (اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان)؛ روش فلسفه: روش عقلی و قیاسی (متکی بر استدلال‌ها و برهین عقلی)
۶۷. فن سخنوری و وکالت
۶۸. پیروزی بر رقیب
۶۹. موضوع آن دانش، روشی که آن دانش به کار می‌برد.
۷۰. روبه‌رو بودن با سؤال‌های معمولی و روزانه و به دنبال پاسخ آن‌ها بودن را تفکر غیرفلسفی می‌گویند.
۷۱. پرداختن به سوالات اساسی و بنیادی به صورت جدی و پیوسته، تفکر فلسفی نامیده می‌شود.
۷۲. به آن دسته از مسائلی که مرتبط با هستی و موجودیت آن‌ها باشد و پایه و اساس هر علمی را تشکیل می‌دهند.
۷۳. خیر. فطرت اول برای تداوم بقای انسان لازم و ضروری است و بدون پرداختن به مسائل عادی و روزمره حیات جسمانی انسان مختل می‌شود، اما ماندن در این مرتبه از تفکر شایسته مقام انسانی نیست.
۷۴. فیلسوف با جدیت و پیوستگی مسائل بنیادی را بررسی می‌کند و به دنبال پاسخی قانون‌مند برای آن‌ها است. در حالی که افراد عادی این نظم و پیوستگی را رعایت نمی‌کنند و به همین خاطر پاسخ‌شان از دقت و کیفیت کافی برخوردار نیست.
۷۵. فلسفه در ابتدا همه علوم را در بر می‌گرفت، اما با گذشت زمان و پیشرفت دانش‌های مختلف، بر هر یک از شاخه‌های دانش نام ویژه‌ای گذاشته شد و به تدریج کلمه فلسفه صرفاً برای همین دانش خاص (بررسی مسائل بنیادی پیرامون وجود) به کار رفت.
۷۶. به دو دلیل: (۱) تواضع و فروتنی در برابر علم و دانایی (۲) هم‌ردیف‌نشدن با سوفیست‌هایی که ارزشی برای حقیقت و واقعیت قائل نبودند.
۷۷. سوفیست‌ها که دانشمندان زمان خود شناخته می‌شدند، بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند. دغدغه برخی از آن‌ها بیان واقع و دفاع از

ردیف	امتحان شماره ۶	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳	فلسفه ۱	نمونه امتحان نیمسال دوم	رشته ادبیات و علوم انسانی	نمره
۱				۲			
۲				۲			
۳				۱/۲۵			
۴				۰/۲۵			
۵				۰/۲۵			

الف) ..... ب) ..... ج) .....

ردیف	نمونه امتحان نیمسال دوم		رشته ادبیات و علوم انسانی		فلسفه ۱	
	امتحان شماره ۶	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳	Kheilisabz.com	نمره	
	به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.					
۶	دانش فلسفه و فیزیک از چه جهاتی قابل تمایز هستند؟					
۷	مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها از اشتغال به تعلیم سخنوری و وکالت چه بود؟ و در استدلال‌های خود بیشتر از چه چیزی کمک می‌گرفتند؟					
۸	تفاوت بین فیلسوف با مردم عادی را بیان کنید.					
۹	منظور هراکلیتوس از عبارت «در یک رودخانه نمی‌توان دو بار شنا کرد» را بیان کنید.					
۱۰	دو مورد از ویژگی‌های هستی را از نظر پارمنیدس بیان کنید.					
۱۱	از نظر سقراط داناترین آدمیان چه کسی است؟					
۱۲	چگونه سقراط اتهام انکار خدا را رد می‌کند؟					
۱۳	نوع شناخت مناسب برای موارد زیر را تشخیص دهید. الف) جذر عدد ۵ ب) عامل ایجاد بیماری کرونا					
۱۴	عبارت زیر مرتبط با نظریه کدام یک از جریان‌های معرفت‌شناسی در اروپا است؟ الف) اعتقاد به خدا باعث کاهش افسردگی در زندگی می‌شود؛ پس اعتقاد درستی است. ب) هیچ پدیده‌ای به خودی خود به وجود نمی‌آید. ج) شناخت من به غیر از خودم، برای شخص دیگری معتبر نیست.					
۱۵	عبارت زیر بر مبنای قاعده اخلاقی کدام فیلسوف بیان شده است؟ «اشکالی ندارد که هر چه قدر که می‌خواهی صدای موسیقی را زیاد کنی، فقط نباید مزاحم بقیه همسایه‌ها بشوی.»					
۱۶	چرا از نظر حکمت متعالیه، روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند؟					
	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.					
۱۷	معارف وحیانی با شهود وحیانی چه تفاوتی دارد؟					
۱۸	دیدگاه «پوزیتیویسم» درباره مفاهیم «نفس» و «اختیار» را بنویسید.					
۱۹	کانت همکاری حس و عقل را در کسب معرفت، چگونه تبیین می‌کند؟					
۲۰	حقیقت برتر انسان از دیدگاه افلاطون چیست؟ و انسان چه وظیفه‌ای در برابر آن دارد؟					
۲۱	نفس از نظر دکارت چه ویژگی‌هایی دارد؟					
۲۲	سهروردی حقیقت نفس و نحوه تکامل آن را با استفاده از مفهوم «نور» چگونه تشریح می‌کند؟					
۲۳	تفاوت دیدگاه افلاطون و کانت در مورد «فضیلت» چیست؟					
۲۴	چرا از نظر فیلسوفان مسلمان، با این‌که بشر فطرتاً علاقه‌مند به فضایل است، اما مرتکب رذایل اخلاقی می‌شود؟					
۲۰	موفق باشید. جمع نمرات					

- ۱۳. الف** شناخت عقلی  
**ب** شناخت تجربی (هر مورد ۰/۲۵)
- ۱۴. الف** پراگماتیسم  
**ب** عقل‌گرایی
- ج** نسبی‌گرایی (هر مورد ۰/۲۵)
- ۱۵. ا** توماس هابز (۰/۲۵)
- ۱۶. ا** ظرفیت روح انسان پایان ندارد (۰/۲۵) و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات، دست یابد. (۰/۲۵)
- ۱۷. ا** در معارف و حیانی خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می‌دهد، (۰/۵) اما در شهود و حیانی، خداوند حقایق، معانی، کلمات خود را بی واسطه بر قلب پیامبر نازل می‌کند. (۰/۵)
- ۱۸. ا** این دسته از مفاهیم و گزاره‌ها تجربه‌پذیر نیستند (۰/۲۵) و از طریق تجربه نمی‌توان مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند. تجربه درباره نفی یا اثبات آن‌ها نمی‌تواند نظر دهد. (۰/۲۵) بی‌معنا هستند. معنای روشنی ندارند. (۰/۲۵)
- ۱۹. ا** قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و علیت را نزد خود دارد و آن‌ها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. (۰/۵) به نظر کانت، انسان آن‌چه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند. (۰/۵)
- ۲۰. ب** نفس (۰/۲۵) توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد. تا به این وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد. (۰/۵)
- ۲۱. ا** مرکز اندیشه‌های ما است. استدلال می‌کند. (۰/۲۵) روح و بدن گرچه با یکدیگر هستند، اما کاملاً از یکدیگر مجزا هستند. (۰/۲۵) روح از بدن استفاده می‌کند. (۰/۲۵) روح از قوانین فیزیکی آزاد است. (۰/۲۵)
- ۲۲. ب** نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود اوست. (۰/۲۵) این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، (۰/۲۵) حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند (۰/۲۵) و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند. (۰/۲۵)
- ۲۳. ا** از نظر افلاطون فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد، (۰/۵) اما از نظر کانت هر کاری را فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می‌کند، صرفاً برای اطاعت از وجدان انجام دهد، فضیلت شمرده می‌شود. (۰/۵)
- ۲۴. ا** زیرا گاهی میان فضیلت‌ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می‌شود. (۰/۵) در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند (۰/۲۵) انسان را به سوی خود می‌کشاند و مانع رسیدن او به فضیلت‌ها می‌شوند. (۰/۲۵)

- ۱. الف** درست  
**ج** درست  
**ه** نادرست  
**ز** نادرست
- ۲. الف** وجود - هستی  
**ج** دگرگونی طبیعت  
**ه** شک مطلق  
**ز** فلسفی  
**ح** موجودات مجرد - غیرمادی (هر مورد ۰/۲۵)
- ۳. الف** گزینه «۱»  
**ج** گزینه «۲»  
**ه** گزینه «۲» (هر مورد ۰/۲۵)
- ۴. الف** «۲»  
**ج** «۱» (هر مورد ۰/۲۵)
- ۵. الف** گزاره «۲»  
**ج** گزاره «۱» (هر مورد ۰/۲۵)
- ۶. ا** از جهت موضوع (۰/۲۵) و از جهت روش (۰/۲۵)
- ۷. ب** پیروزی بر رقیب (۰/۲۵) - مغالطه / سفسطه (۰/۲۵)
- ۸. ا** فیلسوف درباره مسائل بنیادی به نحو جدی فکر می‌کند، (۰/۲۵) با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. (۰/۲۵) او تابع برهان و استدلال است، نه تابع افراد و اشخاص. (۰/۲۵)
- ۹. ا** (۱) تغییر و تحول جهان دائمی است. (۲) همه چیز در سیلان و حرکت است. (۳) هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. (۴) دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است. (به دو مورد اشاره شود کافی است). (هر مورد ۰/۲۵)
- ۱۰. ا** (۱) یک امر واحد است. (۲) ثابت و بدون تغییر است. حرکت و شدن ندارد. (۳) یک واقعیت و جاودان و فناپذیر است. (۴) تنها با تفکر عقلی درک می‌شود. (به دو مورد اشاره شود کافی است). (هر مورد ۰/۲۵)
- ۱۱. ا** داناترین آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند. (۰/۵)
- ۱۲. ا** کسی که صفات علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد، نمی‌تواند منکر وجود خداوند شود. (۰/۵)